

اشاره

نمایش تعزیه یکی از سنت‌های قدیمی و پایدار جامعه ایرانی است که معمولاً در ماه‌های محرم و صفر برگزار می‌شود. مصائب خاندان اهل بیت (ع) در جریان نهضت عاشورا، محتوای اصلی سنت تعزیه‌خوانی را تشکیل می‌دهد. در این مقاله بررسی نحوه پیدایش و سیر تاریخی تداوم این سنت دیرپای ایرانی هدف اصلی نگارنده خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: تعزیه، ایران باستان، نمایش، امام حسین (ع)

رویکرد تاریخی به خاستگاه نمایش تعزیه

دکتر فریدون شایسته

مقدمه

یکی از سنن بسیار قدیمی و پایدار جامعه ایرانی نمایش تعزیه است که معمولاً به مناسبت سوگواری، گرامی‌داشت و حفظ نام و یاد حضرت امام حسین (ع) برگزار می‌گردد. شیعیان از راه برپایی تعزیه امام حسین (ع) و یاران پاکبازش توانسته‌اند نام و یاد آن امام شهید را همیشه زنده نگه دارند و مردم را با فرهنگ عاشورا و مصائب وارده بر خاندان پیامبر (ص) آشنا سازند. تعزیه‌خوانی را، حتی اگر نخواهیم نمایش بومی جامعه ایرانی بدانیم و آن را آئینی برگرفته از جامعه مسیحیت بدانیم، نباید تردید کنیم که پیدایش و بالندگی آن مختص جامعه ایرانی است و نمی‌توان این واقعیت مسلم را انکار کرد.

هدف از این مقاله بررسی نحوه پیدایش و سیر تداوم تعزیه در جامعه ایرانی است. روش مطالعه تاریخی است. نگارنده پس از مطالعه منابع از طریق انتقال اسناد و مدارک به

فیش‌ها و دسته‌بندی آن‌ها براساس تفکیک موضوع، به نگارش مقاله پرداخته است.

دیدگاه محققان درباره خاستگاه جغرافیایی سنت تعزیه

در میان محققان بر سر چگونگی پیدایش تعزیه اختلاف نظر وجود دارد. این اختلافات را می‌توان به دو دسته تقسیم‌بندی کرد:

۱. عده‌ای ریشه پیدایش سنت تعزیه را به ایران باستان نسبت می‌دهند و نمایش‌هایی چون: **مصائب میترا** و **سوگ سیاوش** را هسته اصلی پیدایش این سنت می‌دانند. غالب محققان بر این نظریه پافشاری می‌کنند. احسان یارشاطر (چلکووسکی، ۱۳۶۷: ۱۲۷) علی‌بلوک‌باشی (بلوک‌باشی، ۱۳۶۳: ۴۲) و ابوالنقه نویسنده مصری (ابوالنقه، ۱۳۶۷: ۶۹) از این دسته‌اند.
۲. عده‌ای تأثیر تئاتر اروپایی و نفوذ روش‌های نمایشی آن را در آئین تعزیه‌خوانی مؤثر می‌شمارند. محمدجعفر محبوب (چلکووسکی، همان: ۱۸۵) و دکتر علی شریعتی (شریعتی، ۱۳۸۲: ۱۶۹ و ۱۷۰) بر این عقیده پافشاری کرده‌اند.

نحوه استدلال دوگانه محققان سنت تعزیه

صادق همایونی که از موافقان دیدگاه نخستین است در تأیید این دیدگاه می‌نویسد: «بنا به روایت تاریخ بخارا، سیاوش، فرزند کیکاووس پادشاه کیانی، از نزد پدرش فرار کرد و از رودخانه جیحون گذشت و خود را به دشمن پدرش افراسیاب رساند. افراسیاب او را گرامی داشت و اکرام فراوان کرد و دختر خود را نیز به همسری او درآورد. سیاوش حصار برای خود بنا نهاد و زندگی آرام و پرشکوهی را آغاز کرد ولی سخن‌چینان، بدگویان و حسودان کار خود را کردند و کار را بدان جا رساندند که افراسیاب داماد ایرانی خود را کشت و آتش خصومت دیرینه ایرانیان و تورانیان را بیش از پیش مشتعل کرد. مغان چون از واقعه غم‌انگیز قتل سیاوش آگاهی یافتند یاد او را گرامی شمردند و مردم بخارا نیز غمگین شدند، سوگواری کردند و شعر ساختند و خواندند. کار به جایی رسید که شعرها را در همه کوی‌ها و برزن‌ها می‌خواندند که در حقیقت تجلی بود از خوبی و پاکی قتل بردیای دروغین (گئوماتای مغ) که به دست داریوش اول و با حمایت هفت خانواده پارس انجام شد. این یکی دیگر از مظلوم‌کشی‌های جامعه ایرانی است که هرودت مورخ یونان باستان از آن به‌عنوان ماگافونی (مغ‌کشی) یاد می‌کند. بنا به نظر وی ایرانیان هر سال

در همان روز مراسم سوگواری برپا می‌کردند و یاد و خاطره بردیای دروغین (گئوماتای غاصب) را گرامی می‌داشتند.

سومین واقعه نمایشی که انگیزه تجلیل و گرامی‌داشت را به دنبال داشت و در آن سوگواری صورت نمی‌گرفت به دوره سلطنت خاندان اشکانی برمی‌گردد. در دوره اشکانیان سورنا سپهسالار ایرانی که در بارگاه اُرد (اشک سیزدهم) می‌زیست به جنگ کراسوس رفت و کراسوس را کشت و سر او را به ارمغان به بارگاه اشک سیزدهم فرستاد. وی برای اینکه مزه پیروزی خود را به گوش همگان برساند و آشکار سازد و از سوی دیگر کراسوس را تحقیر کند. شخصی را با لباس و آرایش جنگی او آراسته کرد و بر اسب نشاند و سپاهی به تمسخر برایش مهیا ساخت (همایونی، بی‌تا: ۱۱ و ۱۲).

احسان یارشاطر که او را می‌توان نخستین ارائه دهنده این دیدگاه نامید، بین تراژدی (ماجرای غم‌انگیز) و شبیه‌خوانی (تعزیه) ارتباط نزدیکی می‌بیند و به همین دلیل سنت تعزیه‌خوانی را آیین بومی جامعه ایرانی می‌داند. وی در تأیید دیدگاهش



تعزیه در دوره قاجار (از کتاب ایران، کلد و شوش، اثر مادام دیولافوا)

ابوالنقه، یکی از نویسندگان صاحب نام مصری بر این عقیده است که: «ایران تنها کشوری بود که نمایش درام را پروراند. شاید بتوان این امر را با توجه ودلبستگی مستمر ایرانیان به نمایش تصویری نسبت داد. ایرانیان با پیش زمینه هنر تئاتر که داشتند توانستند از شهادت امام حسین (ع) و اصحابش نیز درام‌های مذهبی بیافرینند



می‌نویسد، «یادگار زریران» اثری متعلق به ایران در سده‌های میانه است که از روزگار ساسانیان باقی مانده و احتمالاً بر پایه اثری اصیل از عهد پارتیان است. این اثر حماسی هم‌چون مصیبت امام حسین (ع) بر شخصیت زریر، مدافع از جان گذشته و دلبر راه دین، متمرکز است و **یشتاسپ شاه** پاک‌نهاد زردشتیان از جانب ارجاسب‌شاه تورانیان که با گرویدن ویشتاسپ به آئین زردشت مخالف بود با سپاهی گران بر او می‌تازد. رزمندگان داوطلب زریر، در برابر دژخیمان به جنگ درمی‌آیند اما در پایان زریر به دست بی‌درفش، برادر بد نهاد ارجاسب، به قتل می‌رسد.

این تراژدی از دو جنبه درخور تأمل است:

۱. نتیجه قطعی حادثه بر زریر و نزدیکانش معلوم است: پیش از آنکه جنگ آغاز گردد شاه و یشتاسپ در یک پیش‌گویی اسفانگیز، مصائبی را که رخ خواهد داد پیش‌گویی می‌کند و به طرزی خاص می‌گوید که چطور زریر دلاور، خائنه به دست بی‌درفش، کشته می‌شود پیش‌گویی می‌کند که بیست و سه تن از برادران و پسران شاه به قتل خواهند رسید.

۲. مرگ زریر با عزیمت اندوه بار پسر جوانش (بستور) همراه می‌شود که بستور به رغم صغر سن به جنگ با بی‌درفش شقی، می‌شتابد و انتقام پدرش را می‌گیرد. او در کنار پیکر بی‌جان و به خون تپیده پدر می‌ایستد و به روش خاص تعزیه‌خوان‌ها با کلمات حزن‌انگیز به حال پدر نوحه می‌سراید. (همان: ۱۲۹ - ۱۲۸).

ابوالنقه یکی از نویسندگان صاحب نام مصری بر این عقیده است که: «ایران تنها کشوری بود که نمایش درام را پروراند. شاید بتوان این امر را با توجه و دلبستگی مستمر ایرانیان به نمایش تصویری نسبت داد. ایرانیان با پیش‌زمینه هنر تئاتر که داشتند توانستند از شهادت امام حسین (ع) و اصحابش نیز درام‌های مذهبی بیافرینند در صورتی که اعراب هیچ‌گاه به این اندیشه نائل نشدند که از این وقایع بهره بگیرند زیرا در میان‌شان هنر نمایش سنت نبود.» (ابوالنقه، ۱۳۶۷: ۶۹).

دکتر علی بلوک‌باشی نمایش «مصائب میترا» و «سوگ سیاوش» را در ایران، خاستگاه یا اصلی‌ترین نمونه از آئین‌های زمینه‌ساز نمایش «مصائب امام حسین (ع)» و اساس شکل‌گیری تعزیه‌خوانی دانسته است. (بلوک‌باشی، همان: ۴۲).

محمد جعفر محجوب که ریشه تعزیه‌خوانی ایرانیان را در فرهنگ مسیحیت می‌داند معتقد است: «فارس‌ستانی که نزدیک امپراتوری‌های سابق عثمانی

به استناد سفرنامه‌های سیاحان و جهان‌گردان دوره زند که به ایران آمده‌اند، می‌توان دوره زند را دوره فعالیت تعزیه‌خوانان و آغاز برگزاری این سنت در ایران دانست

و روسیه می‌زیستند، می‌توانستند به سرعت و به سهولت به اروپا برسند. از طریق فعالیت‌های آنان، زبان و رسوم فارسی به شبه‌جزیره بالکان یعنی رومانی، مجارستان و یوگسلاوی نفوذ کرد و به‌وسیله همین مردمان، اندیشه‌های آزادی‌خواهانه کشورهای اروپایی در سده‌های اخیر به ایران آورده شد. بدون تردید این اشخاص ضمن مسافرت به سرزمین‌های مسیحی نشین متوجه شدند که مسیحیان مؤمن و معتقد، به‌منظور تقویت ایمان توده‌ها، با صداقت و ایمان، ماجراهای قدسیان خود را به قالب نمایش درآورده و نمایش‌های مذهبی موسوم به نمایش‌های «میراکل» با نمایش‌های «میسטר» را پدید آورده‌اند. در واقع تئاتر امروزی اروپا مبتنی بر این نمایش‌هاست که بعدها در اثر مطالعه سنن تئاتری یونان و روم رونق یافت. در هر حال به نظر می‌رسد که سنت صحنه‌پردازی و بازآفرینی وقایع کربلا در سده‌های هفدهم و هیجدهم میلادی، در سال‌های قبل از انقلاب کبیر فرانسه از اروپا به ایران آمد (محبوب، ۱۳۸۲: ۱۹۶ - ۱۹۴).

دکتر علی شریعتی همانند محمدجعفر محجوب، بر تقلیدی بودن مراسم تعزیه‌خوانی از فرهنگ مسیحیت تأکید می‌کند.

... وزیر امور روضه‌خوانی و تعزیه‌داری به اروپای شرقی (که در آن هنگام، صفویه روابط بسیار نزدیک و مرموز ویژه‌ای با آن‌ها داشتند) رفت و درباره مراسم دینی و تشریفات مذهبی آنجا تحقیق و مطالعه کرد و بسیاری از آن سنت‌ها، مراسم جمعی، تظاهرات مسیحیت، برگزاری و نقل مصیبت‌های مسیح، حواریون و شهدای تاریخ مسیحیت، نیز علائم و شعائر، ابزارها و وسایل خاص این مراسم، دکورهای ویژه محافل دینی و کلیسا را اقتباس کرد و همه را به ایران آورد. در اینجا به کمک روحانیون وابسته به رژیم صفوی، آن فرم‌ها و رسوم با تشیع، تاریخ تشیع و مصالح مذهبی ایران سازش داده شد. آن قالب‌های مسیحی - اروپایی، در ایران محتوای شیعی - ایرانی یافت. بدین ترتیب در ایران سمبل‌ها و مراسم و مظاهر کاملاً تازه‌ای که هرگز نه در ملیت ایران سابقه داشت و نه در دین اسلام و نه در مذهب شیعی، به‌وجود آمد. مراسمی از نوع تعزیه‌گردانی، شبیه‌سازی نقش، علم، کتل، عماری، پرده‌داری، شمایل‌کشی، معرکه‌گیری، قفل‌بندی، زنجیرزنی، تیغ‌زنی، موزیک، سنج‌زنی، فرم‌خاص و جدید تشریفات مصیبت‌خوانی و نوحه‌سرایی جمعی و ... که همه اشکالش اقتباس از مسیحیت است و هر کس با آن آشناست، به سادگی تشخیص می‌دهد که تقلید است.» (شریعتی، ۱۳۸۲: ۱۶۹ و ۱۷۰).

در رد دیدگاه دکتر شریعتی دو نکته را می‌توان مورد توجه قرار داد:

۱. در کتب تاریخی دوره صفوی از جمله در **تذکره الملوک** و **دستور الملوک** میرزا رفیعا که در این دو، سازمان اداری حکومت صفوی به‌طور مشروح مورد بررسی قرار گرفته است، هیچ‌گاه از عنوانی چون «وزیر امور روضه‌خوانی» یاد نشده است.
۲. با توجه به وجود پیشینه‌های سوگواری در فرهنگ ایران دوره باستان، نمی‌توان منشأ و خاستگاه بومی سنت تعزیه‌خوانی را به کلی مورد انکار قرار داد و از آن بی‌تفاوت گذشت.

پیدایش مراسم تعزیه در دوره تاریخی ایران بعد از اسلام (دوره اسلامی ایران)

علاوه بر دکتر علی شریعتی که دیدگاه وی مورد مطالعه قرار گرفت دو تن از دیگر محققان نیز آغاز پیدایش این مراسم را در اواخر دوره صفوی دانسته‌اند. پرویز ممنون بنا بر نوشته‌های دو جهان‌گرد هلندی به‌نام‌های: **سالامون و ون گخ**، آغاز شکل‌گیری اولیه تعزیه‌خوانی را سال‌های پایانی حاکمیت خاندان صفوی می‌داند. (ممنون، ۱۳۸۰: ۱۱) مایل بکتاش هم با نقل روایتی از «رساله مواکب حسینی» نوشته‌ای از سال ۱۳۷۵ ه.ق/ ۱۹۵۶ م، می‌نویسد: اول کسی که تأسیس اساس تشبیه و شبیه واقعه کربلا را نمود محمدباقر مجلسی متوفی به سنه ۱۱۱۱ ق/ ۱۷۰۰ م و در اواخر صفویه بوده است (بکتاش، ۱۳۵۰، ۷).

محمدجعفر محجوب پیدایش مراسم تعزیه را مربوط به عصر صفوی نمی‌داند (بلوک باشی، ۱۳۶۳، ۲۲) **بنجامین** نخستین سفیر آمریکا در دوره ناصری که در سال‌های ۱۳۰۲ - ۱۲۹۹ ق/ ۱۸۸۵ - ۱۸۸۲ م در ایران به‌سر می‌برده است، آغاز تعزیه‌خوانی را به دوره پس از صفوی می‌کشد (بنجامین، ۱۳۶۳، ۲۸۲) استاد نصرالله فلسفی برپایه گزارش **ویلیام فرانکلین** از مشاهداتش درباره مجلس تعزیه عروسی حضرت قاسم (ع) در شهر شیراز که در سال ۱۲۰۱ ق/ ۱۷۸۷ برقرار شده بود. پیدایش این سنت را دوره سلطنت کریم‌خان زند می‌داند (فلسفی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۸۵۷).

به استناد سفرنامه‌های سیاحان و جهان‌گردان دوره زند که به ایران آمده‌اند، می‌توان دوره زند را دوره فعالیت تعزیه‌خوانان و آغاز برگزاری این سنت در ایران دانست. **کارستن نیبور** سیاحت‌گر آلمانی، از مراسم تعزیه در میدان بزرگ خارک سخن گفته، که در سال ۱۱۸۰ ق/ ۱۷۶۶ م توجه او را به خود جلب کرده است (نیبور، ۱۳۵۴، ۱۹۱ - ۱۸۹).

از گزارش‌های اعتمادالسلطنه، مستوفی، بنجامین، پولاک، دیولافوآو ... می‌توان دریافت که رواج روزافزون سنت تعزیه در دوره سلطنت ناصرالدین شاه قاجار بوده است. (حسام مظاهری، ۱۳۸۷: ۹۵-۹۴).

ترتیب تعزیه‌خوانی در ایام محرم

دردهه اول محرم همراه با برگزاری مراسم روضه‌خوانی و سوگواری امام حسین (ع) و یارانش، مراسم تعزیه هم برگزار می‌شد. مراسم تعزیه در

این ایام که دارای ترتیب و نظم بود به شرح زیر صورت می‌پذیرفت:

۱. روز اول محرم، تعزیه وفات ابراهیم فرزند رسول اکرم (ص).
۲. روز دوم محرم، تعزیه برای یکی از چهره‌های مظلوم مانند: فاطمه صغری، زینب (س) و موسی بن جعفر (ع).
۳. روز سوم محرم، تعزیه مسلم‌بن عقیل.
۴. روز چهارم محرم، تعزیه دو طفلان مسلم.
۵. روز پنجم محرم، حجةالوداع، اشاره به آخرین سفر حج رسول خدا (ص) و اشاره به جانشینی علی (ع).
۶. روز ششم محرم، تعزیه حربن یزیدریاحی.
۷. روز هفتم محرم، تعزیه حضرت عباس (ع) (ابوالفضل) و امام حسین (ع).
۸. روز هشتم محرم، تعزیه دو طفل زینب (س) و غلام ترک.
۹. روز نهم محرم، تعزیه شهادت حضرت علی اکبر.
۱۰. روز دهم محرم، تعزیه شهادت امام حسین (ع).
۱۱. روز یازدهم محرم، ورود اُسرای کربلا به شام.
۱۲. روز دوازدهم محرم، ورود اُسرای عاشورا به کوفه.
۱۳. روز سیزدهم محرم، پشیمانی یزید و خروج مختار. (همایونی، بی‌تا: ۶۸).

تأثیر تعزیه در فرهنگ عامه

تحت تأثیر دیرپایی سنت برگزاری تعزیه در ایران ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات و عبارات گوناگونی وارد فرهنگ عمومی مردم ایران شده که از جمله عبارات است از:

۱. فلانی مثل خولی است، کنایه از ستم‌کاری.
 ۲. شمر وارد شد، کنایه از ورود با عصبانیت.
 ۳. مثل حارث است، کنایه از سنگدلی و شقاوت.
 ۴. روشن شود هزار چراغ از فتیله‌ای یک داغ دل بس است برای قبیله‌ای این ضرب‌المثل اشاره به عظمت و پیامد واقعه جان‌سوز کربلا دارد.
 ۵. زد به صحرای کربلا، کنایه از ورود واعظ یا ناطق برای تازه کردن داغ دل و ایجاد محیط حزن‌انگیز.
 ۶. اگر بار گران بودیم رفتیم اگر نامهربان بودیم رفتیم
- این بیت را معمولاً تعزیه‌خوان‌ها پس از پایان

برگزاری مراسم تعزیه به زبان می‌آورند.

۷. مثل دو طفلان مسلم، همراهی دو مظلوم با یکدیگر.
۸. عمر سعد، کنایه از بدعتی و بی‌غیرتی است.
۹. مگر اینجا صحرای کربلاست؟ کنایه از فقدان آب. (همایونی، بی‌تا، ۸۶).

نتیجه

با توجه به دیدگاه‌های متفاوت در مورد خاستگاه سنت تعزیه، می‌توان دیدگاه کسانی را که ایران را به‌عنوان خاستگاه بومی این سنت باور دارند پذیرفت. زیرا یکی از جالب‌ترین و قابل توجه‌ترین جنبه‌های این سنت، استفاده فراوان از سنن ایرانی در آن است. انتخاب نام عقاب برای اسب حضرت علی اکبر، حنا بستن دست‌ها و پاها و سر عروس و داماد، آراستن حجله، تدارک خنچه، پوشیدن لباس سیاه در مراسم سوگواری و گاه بر سر افشاندن در مرگ عزیزان، همه ریشه در سنن باستانی ایران دارند. اگر چه باید ریشه‌های عزاداری عمومی و رسمی را در سوگ حضرت امام حسین (ع) در دوره حکومت آل‌بویه جست‌وجو کرد، ولی در دوره صفوی، این سنت جنبه بسیار رسمی‌تر و عمومی‌تری یافت. دوره زندیه را می‌توان براساس منابع فراوان این دوره، آغاز برگزاری سنت تعزیه در ایران دانست. دوره حکومت قاجار به‌ویژه دوره حکومت ناصرالدین شاه، دوره اوج هنر تعزیه است؛ تکیه دولت اساساً برای برگزاری این مراسم بنا شد. برگزاری سنت تعزیه موجب جلا دیدن و سیقل خوردن روح مؤمنان می‌شود. تعزیه به انسان‌ها درس معنویت و ایثارگری می‌آموزد و موجب ایجاد همبستگی و ارتقای سطح تعاون و هم‌دلی در جامعه می‌گردد.

منابع

۱. ابوالنقعه، السعید عطیه؛ نمایش در شرق، ترجمه جلال ستاری، تهران: انتشارات نمایش، چاپ اول، ۱۳۶۷.
۲. بلوک باشی، علی، تعزیه خوانی (حدیث قدسی مصائب در نمایش آئینی)، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۳.
۳. بکنش، مایل؛ پدیدارشناسی تعزیه، تهران: سازمان جشن هنر، چاپ اول، ۱۳۵۰.
۴. بنجامین س. ج. و؛ سفرنامه ایران و ایرانیان، ترجمه محمدحسین کردیچه، تهران: انتشارات جاویدان، چاپ اول، ۱۳۶۳.
۵. حسام‌مظاہری، محسن؛ جامعه‌شناسی آیین‌های سوگواری و هیئت‌های مذهبی در ایران، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۶. فرانکلین ویلیام، مشاهدات سفر از بنگال به ایران، ترجمه محسن جاویدان، تهران: مرکز ایرانی تحقیقات تاریخی، چاپ اول، ۱۳۵۸.
۷. شریعتی، علی، تشیع علوی و تشیع صفوی (مجموعه آثار ۹)، تهران: چاپخش، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۸. فلسفی، نصرالله؛ زندگانی شاه عباس اول، جلد سوم، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۶۹.
۹. محجوب، محمد جعفر؛ ادبیات عامیانه ایران، به کوشش حسن ذوالفقاری، تهران: نشر چشمه، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۱۰. ممنون، پرویز، تعزیه از دیدگاه تئاتر غرب (کتاب تعزیه هنر بومی پیشرو ایران) گردآورنده پتر چلکوسکی، ترجمه داود حاتمی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۷.
۱۱. نیبورو، کارستن؛ سفرنامه نیبورو، ترجمه پرویز رجبی، تهران: توکا، چاپ اول، ۱۳۵۴.
۱۲. همایونی، صادق؛ تعزیه و تعزیه‌خوانی، تهران: انتشارات جشن هنر، چاپ اول، بی‌تا.
۱۳. پارسا، احسان؛ تعزیه و آیین‌های سوگواری در ایران قبل از اسلام (کتاب تعزیه هنر بومی پیشرو ایران)، گردآورنده پتر چلکوسکی، ترجمه داود حاتمی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۷.